

گونه‌شناسی روایات تفسیری امام صادق علیه‌السلام در منابع اهل سنت

تقی رفیع*

مهدی ایزدی**

عبدالهادی فقهی‌زاده***

محمود ویسی****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵

تاریخ تایید: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶

چکیده:

امام صادق(ع) به عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته اهل بیت رسول‌الله(ص) علاوه بر جایگاه مذهبی ویژه در میان شیعیان، مورد توجه اهل تسنن نیز می‌باشد. اهل سنت که در منابع خویش از امام صادق(ع) بیشتر با نام "جعفر بن محمد" یاد می‌کنند، در منابع روایی خود، به ویژه تفاسیرشان، تعداد معتناهی از روایات تفسیری امام صادق(ع) را نقل کرده‌اند. بیشتر این احادیث، بدون ذکر سند و به طور مستقیم از آن حضرت نقل شده است که نشان از باور اندیشمندان اهل سنت به مقام والای امام صادق(ع) در عرصه تفسیر قرآن دارد. این مسأله، وقتی روشن تر می‌شود که بدانیم در ۷۹ سوره از ۱۱۴ سوره قرآن، و جمعاً ذیل ۳۴۱ آیه قرآن، در منابع روایی و تفسیری اهل تسنن روایاتی از امام صادق(ع) دیده می‌شود. در این مقاله، پس از استخراج و دسته‌بندی احادیث مورد نظر به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری کتابخانه‌ای، روشن می‌شود که دست‌کم در پنج حوزه: ۱- بیان معانی تنزیلی شامل: ایضاح لفظی (واژه‌شناسی) و ایضاح مفهومی (نکات تفسیری: تبیین مجمل، تخصیص عام، تقیید اطلاق، توضیح مفاهیم شرعی، تفصیل احکام قرآن، بیان ناسخ و منسوخ و...); ۲- بیان معانی تأویلی شامل: بیان مصادیق (جری و تطبیق) و بیان لایه‌های معنایی (بطن آیه); ۳- بیان فضای نزول شامل: سبب نزول و شأن نزول; ۴- استناد به آیات قرآن; و ۵- بیان قرائات قرآنی از آن امام(ع) در کتب مذکور بیاناتی موجود است. بررسی سندی این احادیث از عهده این نوشتار خارج است و مجال دیگری می‌طلبد.

کلیدواژه‌ها: امام صادق(ع)، روایات تفسیری، گونه‌شناسی، منابع اهل سنت.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی تهران. taghi.rafi@gmail.com

** استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول). dr.mahdiizadi@gmail.com

*** استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران. faghhezad@ut.ac.ir

**** دانشیار گروه فقه شافعی دانشگاه مذاهب اسلامی تهران. mahmoodvaisi@yahoo.com

۱. مقدمه

۱-۱. طرح مسأله

همه مسلمانان (شیعه و سنی) برای رسول خدا(ص) و اهل بیت ایشان(ع) احترام و جایگاه خاصی قائل‌اند. این علاقه و دل‌بستگی به خاندان رسول‌الله(ص) نقطه اشتراک تمامی مسلمانان است و می‌تواند عاملی برای پیوند و نزدیکی جامعه اسلامی به یکدیگر باشد. امام صادق(ع) به عنوان یکی از برجسته‌ترین مصادیق و افراد این خاندان، علاوه بر جایگاه مذهبی ویژه در میان شیعیان، مورد توجه اهل سنت نیز می‌باشد. با عنایت به اینکه اهل سنت در منابع روایی خویش از امام صادق(ع) بیشتر با نام "جعفر بن محمد" و در مواردی با اسم "جعفر الصادق" و یا عبارت "جعفر عن أبیه" نقل حدیث می‌کنند و از طرفی، برخی از آموزه‌های تفسیری آنها بر اساس همین احادیث استوار است؛ در این تحقیق برآنیم تا با استقصای روایات تفسیری منقول از امام صادق(ع) در منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت - به روش توصیفی - تحلیلی و با تقسیم‌بندی این احادیث در پنج حوزه: بیان معانی تزیلی (واژه‌شناسی و نکات تفسیری)، بیان معانی تأویلی (مصادیق و معانی باطنی)، بیان فضای نزول (سبب نزول و شأن نزول)، استناد به آیات قرآن، و قرائات قرآنی، جایگاه علمی و شخصیتی آن‌حضرت در میان اهل سنت تبیین شود.

۲-۱. پیشینه بحث:

گفتنی است در خصوص عنوان دقیق این پژوهش، کار خاصی صورت نگرفته است و تنها کارهای ذیل، درباره بخش‌هایی از موضوع مورد توجه ما - آن هم فقط از منابع شیعی - نوشته شده است:

- مقاله "روش تفسیری صادقین(ع)" سیدمحمدباقر حجتی و علی‌اکبر غفاری و لاله افتخاری، فصلنامه

علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۴۱ سال ۱۳۸۱ش. در این مقاله، به سبب اهمیت دوران صادقین(ع) در تاریخ اسلام و نقش روایات آن بزرگواران در تدوین مکتوبات حدیثی، تنها با تکیه بر منابع روایی و تفسیری شیعه، شماری از احادیث تفسیری، روش تفسیری ایشان و شاخص‌های آن مورد بررسی قرار گرفته است.

- مقاله "روایات امام جعفر صادق(ع) در تفسیر قرآن بر اساس مسند الامام الصادق(ع)" سیدمحمدعلی آیازی، گرامی‌نامه استاد عطاردی، جلد ۱ صفحات ۲۱۹ تا ۲۴۰ تهران مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم اسلامی، چاپ اول سال ۱۳۸۴ش. نویسنده این مقاله با استفاده از مجلدات ششم و هفتم و هشتم کتاب "مسند الامام الصادق(ع)" اثر استاد عزیزالله عطاردی، که تنها از منابع روایی و تفسیری شیعه استخراج شده است، به بررسی این روایات و گونه‌های آن تحت ده عنوان پرداخته است.

- مقاله "گونه‌شناسی و روش‌شناسی روایات تفسیری امام صادق(ع)" سیدرضا مؤدب و کامران اویسی، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۱۰ بهار و تابستان ۱۳۹۱ش. در این نوشتار نیز فقط با استفاده از منابع روایی و تفسیری شیعه، روش‌های تفسیری امام صادق(ع) با نگاهی کاربردی بررسی شده است.

- مقاله "جایگاه امام صادق(ع) در تفسیر قرآن با توجه به روایات تفسیری ایشان" فاطمه شرعیاتی و سیدمحمدعلی آیازی، فصلنامه علمی پژوهشی علوم حدیث، مقاله ۵ دوره ۱۹ شماره ۷۱ بهار ۱۳۹۳ش. در این مقاله، با استناد به احادیث تفسیری امام صادق(ع) در منابع روایی و تفسیری شیعه و مقایسه آنها با بیانات تابعان معاصر آن‌حضرت در منابع تفسیری اهل سنت، به اثبات برتری و نشان‌دادن جایگاه انحصاری و علم ویژه آن امام پرداخته شده است.

۳-۱. تعریف اصطلاحات:

- امام صادق (ع) از نگاه دانشوران اهل سنت

جعفر بن محمد بن علی بن الحسین (الشهید) بن علی بن ابی طالب، مُلقَّب به فاضل، طاهر، صابر، کامل، مُکَنّی به ابو عبدالله قُرشی هاشمی عَکَوی نَبوی مدنی و معروف به امام صادق (ع)، فرزند دختر قاسم بن محمد بن ابوبکر - یعنی اُمّ فَرُوه - و مادرِ مادرش اَسْماء دختر عبدالرحمان بن ابوبکر است و بر همین اساس از آن حضرت منقول است که فرمود: ابوبکر صدیق دوبار مرا متولّد کرده است (ذهبی، ۱۴۱۹: ۱۲۵/۱؛ ذهبی، ۱۴۰۵: ۲۵۵/۶). توضیح آن که اُمّ فَرُوه - یعنی مادر امام صادق (ع) - حاصل ازدواج دختر عمو^۱ و پسر عمویی^۲ است که پدر بزرگشان ابوبکر بن ابی قُحافه می‌باشد (ابن سعد، بی تا: ۱۸۷/۵ و ۴۶۹/۸؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۶۶ و ۴۴/۶). بنا بر قول مشهور^۳ در میان اهل سنت، آن حضرت در سال سیل جحاف - یعنی سال ۸۰ هجری - متولّد و در اواخر سال ۱۴۸ هجری در سن ۶۸ سالگی در مدینه وفات نمود و در قبرستان بقیع در جوار پدرش (امام باقر (ع)) و جدش (امام سجاد (ع)) و عموی جدش (امام مجتبی (ع)) دفن شد (بخاری، بی تا: ۱۹۸/۲؛ ابن حَبّان، ۱۴۱۱: ۲۰۵؛ صفدی، ۱۴۲۰: ۹۸/۱۱؛ ابن مَنجُویَه، ۱۴۰۷: ۱۲۰/۱؛ ابن خَلکان، ۱۹۹۴: ۳۲۷/۱؛ زرکلی، ۲۰۰۲: ۱۲۶/۲). برخی آن جناب را از شناخته‌شده‌ترین تابعین (زرکلی، ۲۰۰۲: ۱۲۶/۲) و بعضی دیگر از عابدترین اتباع تابعین و دانشمندان

^۱ اَسْماء بنت عبدالرحمن بن ابی بکر.
^۲ قاسم بن محمد بن ابی بکر.
^۳ قول غیر مشهور آن است که ایشان در سحرگاه روز سه‌شنبه، هشتم رمضان المبارک سال ۸۳ هجری به دنیا آمده است (ابن خَلکان، ۱۹۹۴: ۳۲۷/۱).

اهل مدینه دانسته‌اند (سیوطی، ۱۴۱۰: ۲۴/۱). زرکلی گوید: جعفر بن محمد ششمین از امامان دوازده‌گانه نزد امامیه، از شناخته‌شده‌ترین تابعین و جایگاه بالایی در علم داشت (زرکلی، ۲۰۰۲: ۱۲۶/۲) و ابن حَبّان آن حضرت را از علمای مدینه می‌دانست (ابن حَبّان، ۱۴۱۱: ۲۰۵). عمرو بن ابومقدام گوید: هرگاه به جعفر بن محمد می‌نگریستم، می‌دانستم که او از نسل پیامبران است (ابن عدی جرجانی، ۱۴۰۹: ۱۳۱/۲). صفدی گوید: کسی به کرامت و شرافت آن حضرت نبود و به دلیل راستگوبودنش در سخن، ملقب به صادق بود (صفدی، ۱۴۲۰: ۹۸/۱۱). ابن خَلکان معتقد است: فضائل ایشان مشهورتر از آن است که یادآوری شود (ابن خَلکان، ۱۹۹۴: ۳۲۷/۱). مالک بن انس گوید: وقتی بود که خدمت ایشان رفت و آمد داشتیم. او را مگر در یکی از این سه حالت نمی‌یافتیم؛ نماز می‌خواند یا روزه‌دار بود و یا قرائت قرآن می‌نمود. ندیدم وی نقل حدیث کند جز آن که باطهارت بود (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶: ۱۰۳/۲). هیاج بن بسطام گوید: جعفر صادق [به‌گونه‌ای فقیران را] اطعام می‌نمود که حتی برای خانواده‌اش هم چیزی باقی نمی‌ماند (ذهبی، ۱۴۱۹: ۱۲۵/۱).

- گونه‌شناسی

گونه‌شناسی در این مقال، یعنی تبیین نوع معرفت و شناختی که روایت درباره کلمه، ترکیب یا جمله‌ای از آیات قرآن یا سوره‌ها ارائه می‌دهد (شکرانی و سیدناری، ۱۳۹۷: ۵۱). گونه‌شناسی را می‌توان به «طبقه‌بندی روشمند روایات، براساس معیاری منطقی که از جامعیت و مانعیت نسبی برخوردار بوده و قابل توجیه و دفاع علمی باشد» تعریف کرد. (راد، ۱۳۹۳: ۱۱).

- روایت تفسیری

روایت تفسیری، روایتی است که بخشی از آیه، در

- منابع اهل سنت

در این پژوهش، مشهورترین جوامع حدیثی و تفسیری اهل تسنن - از "تفسیر مقاتل بن سلیمان (م. ۱۵۰ق)" و "الموطأ/مالک بن انس (م. ۱۷۹ق)" گرفته تا "تفسیر بیان المعانی/ملاحویش آل غازی (م. ۳۹۸ق)" و "إرواء الغلیل، السلسله الصحیحه، السلسله الضعیفه والموضوعه/آلبانی (م. ۴۲۰ق)" - مورد جستجو قرار گرفته و تمامی روایات تفسیری امام صادق(ع) از این کتب استخراج شده است که به تناسب هر گونه تفسیری، به برخی از آنها استناد شده است.

۲. گونه‌های روایات تفسیری امام صادق(ع) در منابع اهل سنت

در این نوشتار، روایات تفسیری امام صادق(ع) را به لحاظ نقشی که در فهم آیات دارند، در پنج نوع: ۱- بیان معانی تنزیلی (واژه‌شناسی و نکات تفسیری)، ۲- بیان معانی تأویلی (مصادیق و معانی باطنی)، ۳- بیان فضای نزول (سبب نزول و شأن نزول)، ۴- استناد به آیات قرآن، و ۵- قرائات قرآنی، قرار داده و برای هر یک، مثالی از منابع روایی و تفسیری اهل سنت نقل می‌کنیم.

۱-۲. بیان معانی تنزیلی (واژه‌شناسی و نکات تفسیری)

(الف) واژه‌شناسی (ایضاح لفظی)

نخستین قدم در فهم هر سخن، تلاش برای شناخت واژگان به‌کاررفته در آن است. این تلاش ویژه بیگانگان با زبان متن نیست؛ زیرا معنای همه واژه‌های موجود در یک زبان برای همه افراد - حتی دانشمندان آن زبان - آشکار نیست. برخی پرسش‌های مخاطبان عرب‌زبان قرآن از معانی برخی واژه‌های قرآنی، شاهد این مدعاست؛ مثلاً ابن عباس که از اصحاب رسول خدا(ص) است، می‌گوید: من معنای واژه «فَطَرَ» در

آن، مذکور باشد و یا روایت، ناظر به آیه‌ای باشد که خود آیه، در حدیث مذکور نیست، اما حدیث، به بیان مراد خداوند در آن آیه پرداخته و یا زمینه فهم آن را فراهم ساخته است (مهریزی، ۱۳۸۹: ۷) که بر اساس دلالت التزامی حدیث ثقلین - براساس هردو روایت سنّی^۱ و شیعی^۲ آن - هیچ روایتی نیست مگر اینکه به بیان نکته‌ای درباره محوری از یک آیه یا سوره یا قرآن می‌پردازد (شکرانی و سیدناری، ۱۳۹۷: ۴۹). لذا روایت تفسیری، روایتی است که به تبیین مدالیل ظاهری آیات قرآن پرداخته یا اطلاعاتی سودمند در کشف مراد استعمالی آیات را در اختیار خواننده قرار می‌دهد (راد، ۱۳۹۳: ۱۶). به‌رحال، روایات تفسیری نیز مانند دیگر روایاتی که از معصومین(ع) نقل شده، در موقعیتهای گوناگونی بیان شده است. اهل بیت(ع) گاه در پاسخ پرسش از مفاد و مراد آیه‌ای، حدیثی بیان فرموده‌اند و گاه خود در مقام استدلال و احتجاج، آیه‌ای از قرآن ذکر کرده‌اند و زمانی دیگر برای بیان معانی واژه‌ای از واژگان مشکل قرآن سخنی گفته‌اند و گاه معنای باطنی آن را بیان نموده‌اند (رجبی، ۱۳۸۳: ۲۲۳).

^۱ "حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْكُوفِيُّ حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ الْحَسَنِ هُوَ الْأَنْطَاطِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ فِي حَجَّتِهِ يَوْمَ عَرَفَةَ وَهُوَ عَلَى نَاقَتِهِ الْقَصْوَاءِ يَخْطُبُ فَمَسِغَتُهُ يَقُولُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثَرَتِي أَهْلَ بَيْتِي" (ترمذی، ۱۴۰۳: ۳۲۷/۵).

^۲ "حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَدِيمٍ عَنْ شَرِيكِ عَنْ جَابِرِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ دَعَا رَسُولَ اللَّهِ أَصْحَابَهُ بِمَيْتِي فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ النَّقْلَيْنِ أَمَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا - كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثَرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضُ ثُمَّ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ خُرُمَاتِ اللَّهِ - كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثَرَتِي وَ الْكَعْبَةَ الْبَيْتِ الْخَرَامِ" (صفار، ۱۴۰۴: ۴۱۳/۱).

فرشتگان زمین را نیز در بر می‌گیرد (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۲۷/۱). بنابر تحقیق به‌عمل‌آمده، بهترین تفسیر برای کلمه "العالمین" در سوره فاتحه‌الکتاب، همان معنایی است که امام صادق(ع) بیان فرمودند (شفیعی، ۱۳۹۸: ۷۵).

– أَنَّ اللَّهَ يُشْرِكُ بِبِحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا (آل‌عمران/۳۹)

از امام صادق(ع) نقل است که فرمود: "سید" کسی است که پروردگارش را بشناسد و غیر او را منکر شود؛ و "حضور" فردی است که مالک است و کسی مالکش نیست و نیز فردی است که جز خدای متعال را نمی‌شناسد (بقلی، ۲۰۰۸، ۱/۱۴۸). ابن‌عباس "سید" را به معنای بردبار پرهیزکار، آبی‌العالیه و سعید بن جبیر و ربیع بن انس و قتاده، به‌معنای بردبار، رقاشی به‌معنای کریم، ضحاک به‌معنای خوش‌اخلاق، ابن‌زید به‌معنای شریف، سعید بن مسیب به‌معنای فقیه عالم، مجاهد به‌معنای موحد، ابن‌عیینه به‌معنای کسی که حسادت نمی‌ورزد و عکرمه به‌معنای کسی که خشم بر او غلبه نمی‌کند، دانسته‌اند (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۲/۶۲۲). همچنین اکثر تابعین از مفسران "حضور" را به کسی که به زنان رغبتی ندارد و توان فرزنددار شدن ندارد، معنا کرده‌اند (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۱/۲۱۱). پیداست که تفسیر امام صادق(ع) از این دو واژه، با ادامه آیه (وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ) و نیز با شأن پیامبران الهی تناسب بیشتری دارد (جصاص، ۱۴۰۵: ۲/۲۹۲).

مثال‌های دیگر از این گونه‌ی تفسیری که از امام صادق(ع) در کتب تفسیری و روایی اهل سنت روایت شده عبارتند از: الْأَسْبَابُ (بقره/۱۳۶): برخی از اولاد یعقوب(ع)؛ الْجَانُّ (حجر/۲۷): آفریده‌شده از آتش؛ لِلْمُتَوَسِّمِينَ (حجر/۷۵): متفرسان (تیزبینان)؛ حَيَاةٌ طَيِّبَةٌ

آیه «قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (انعام/۱۴) را نمی‌دانستم تا آن‌گاه که دو اعرابی را دیدم که در باب مالکیت چاهی منازعه می‌کردند و یکی به دیگری می‌گفت: «أَنَا فَطَرْتُهَا» یعنی من ابتدا آن را حفر کردم (مقریزی، ۱۴۲۰: ۴/۲۷۸). فهم واژگان، نخستین گام در تفسیر قرآن است و در واژگان قرآنی باید به مفهوم واژه‌ها در زمان نزول دست یافت. در این خصوص، روایات نقل شده از پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) که در زمان نزول یا دو سده پس از نزول قرآن صادر شده‌اند، منبع مهمی برای فهم واژگان قرآن است. این روایات گاه مفاد یک واژه قرآنی را توضیح می‌دهند و گاه مصداق و مورد آن را مشخص و معین می‌سازند (رجبی، ۱۳۸۳: ۲۲۳). شماری از روایات تفسیری به معناشناسی یک واژه یا یک اصطلاح قرآنی پرداخته‌اند. کارکرد دلالتی و معناشناختی این روایات به دلالت معنایی کلمه یا مصطلح قرآنی محدود است و به بیان مدلول جمله یا آیه نمی‌پردازند (راد، ۱۳۹۳: ۲۰).

نمونه‌های ذیل بخشی از روایات تفسیری امام صادق(ع) در منابع اهل سنت در حوزه تبیین لغات و اصطلاحات قرآنی می‌باشد:

– الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (فاتحه/۱)

از امام صادق(ع) روایت شده که منظور از "العالمین" اهل بهشت و اهل جهنم هستند (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱/۱۱۲). در بیانی دیگر از آن‌حضرت با استناد به آیه «أَتَاتُونَ الدُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ» (شعراء/۱۶۵) "العالمین" را همه انسانها دانسته‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱/۸۲).

قتاده به نقل از ابن‌عباس "العالمین" را به هر آنچه خداوند خلق نموده تفسیر کرده است. سعید بن جبیر، مجاهد، و ابن‌جریر معنای آن را تمامی جنیان و انسانها دانسته‌اند. آبی‌العالیه، علاوه بر عالم جن و انس، قائل به وجود چهارده‌هزار جهان دیگر است که

- وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ (حجر/۲۱)

در روایتی آمده که امام صادق(ع) در تفسیر این آیه شریفه فرمود: مثال (تصویر) هر آنچه خداوند در دریا و خشکی آفریده، در عرش الهی موجود است و این است معنای "وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ" (أطفيش، بی تا: ۴۸۵/۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۳۶/۵؛ خازن، ۱۴۱۵: ۵۳/۳؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۱۵/۱۰؛ میبدی، ۱۳۷۱: ۳۰۴/۵؛ بغوی، ۱۴۰۷: ۳۷۵/۴). غالب مفسران اهل سنت تفسیر این آیه را در نزول باران از آسمان محصور کرده‌اند (طبری، ۱۴۲۰: ۸۳/۱۷؛ مقاتل، ۱۴۲۳: ۴۲۷/۲؛ نحاس، ۱۴۲۱: ۲۳۸/۲).

- وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ (انبیاء/۸۳)

در توضیح آیه شریفه از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: وقتی تا چهل روز وحی الهی از حضرت آیوب(ع) منقطع شد و آن حضرت از هجران خداوند نگران شد، گفت: همانا ضُرّ مرا مسّ نموده است (ماوردی، بی تا: ۴۶۳/۳؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۳۲۳/۱۱). اندیشمندان اهل سنت "ضرّ" را به بیماری جسمی و نیز از بین رفتن اموال و اولاد آیوب(ع) تفسیر نموده‌اند (ابن قتیبه، ۱۴۲۳: ۲۶۴؛ یحیی بن سلام، ۱۴۲۵: ۳۳۳/۱؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۴۳۶/۲؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۲۴۵۹/۸؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۲۹۹/۴؛ دینوری، ۱۴۲۴: ۲۸/۲؛ ابن ابی زینب، ۱۴۲۴: ۱۴).

موارد ذیل، مثال‌هایی دیگر از این گونه‌ی تفسیری منقول از امام صادق(ع) در کتب تفسیری و روایی اهل سنت است:

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ (بقره/۱۹۸): منظور از طلب فضل الهی در اینجا، درخواست اعمالی بیش از اعمال حج از پروردگار است که موجب فضل و عنایت خداوند متعال

(نحل/۹۷): معرفت به خدا؛ رَبْوَةٌ ذاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ (مؤمنون/۵۰): شهر نجف دارای مسجد و فرات؛ فِتْنَةٌ (نور/۶۳): پادشاه ظالمی که بر تخلف‌کنندگان از امر الهی مسلط می‌شود؛ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (لقمان/۱۹): عطسه با صدای بلند و زشت؛ الْعُلَمَاءُ (فاطر/۲۸): ترک‌کنندگان برخی از محرّمات؛ بِمَفَازِهِمْ (زمر/۶۱): سعادت و خوشبختی پیشین متّقین؛ شَرِيعَةٌ (جاثیه/۱۸): محافظت بر حدود الهی؛ لِيُعْبَدُونَ (ذاریات/۵۶): تا مرا بشناسند؛ لِيُرْلَقُونَكَ (قلم/۵۱): می‌خواهند تو را بخورند؛ جَدُّ رَبِّنَا (جن/۳): سخن جنیان است از روی جهالت؛ الضُّحَى (ضحی/۱): ظهري که خداوند با موسی(ع) تکلم نمود؛ الْكَوْثَرُ (کوثر/۱): نوری در قلب رسول خدا(ص)؛ الصَّمَدُ (توحید/۲): کسی که غالب است و مغلوب نمی‌شود.

(ب) نکات تفسیری (ایضاح مفهومی)

در این نوع از روایات تفسیری، مدلول ظاهری جمله‌های قرآنی تبیین می‌شود. این روایات، مراد کلام قرآنی را در سطح ظاهری آن بیان می‌کند. و لذا با گونه واژه‌شناسی - که در سطح کلمه یا اصطلاح قرآنی است - و گونه تأویلی - که در سطح باطنی و بیان مصادیق فرانزول آیات (جری و تطبیق) به تبیین مراد قرآن می‌پردازد - متفاوت می‌گردد (راد، ۱۳۹۳: ۲۲). در این دسته از روایات، تفسیر آیات و احیاناً توضیحات بیشتری که به فهم بهتر آیه کمک می‌کند، مطرح شده است (رجبی، ۱۳۸۳: ۲۲۴). این گونه‌ی تفسیری شامل: تبیین مجمل، تخصیص عام، تقیید اطلاق، توضیح مفاهیم شرعی، تفصیل احکام قرآن، بیان ناسخ و منسوخ و ... می‌شود که نمونه‌های ذیل بخشی از روایات تفسیری امام صادق(ع) در منابع اهل سنت در این حوزه می‌باشد:

می‌گردد؛ مانند: کمک به ضعیفان، دادرسی دادخواهان، سیرکردن گرسنگان و سیراب کردن تشنگان؛ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ (بقره/۲۵۵): عرش و آسمانها و زمین‌ها و هرآنچه خدا خلق نموده در مقابل کرسی، مانند انگشتی است در میان بیابان؛ وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا (بقره/۲۷۵): خداوند ربا را حرام فرمود تا مردم به یکدیگر قرض دهند؛ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوُوهُ (بقره/۲۸۴): آنچه در دل پنهان می‌کنید ایمان، و آن را که آشکار می‌کنید اسلام است؛ وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ (مائده/۲۷): داستان ازدواج فرزندان آدم (ع) با دو حوریه بهشتی؛ خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (اعراف/۱۹۹): خدای متعال با این آیه، پیامبرش را به نیکویی‌های اخلاق دستور داده و در قرآن، جامع‌تر از این آیه در باب مکارم اخلاقی وجود ندارد؛ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ (هود/۴۰): جبرئیل (ع) در سوارکردن نر و ماده انسانها و حیوانات و حتی میوه خرما در کشتی به نوح (ع) کمک نمود؛ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ (اسراء/۶۴): اگر مردی در زمان مجامعت "بسم الله" نگوید، شیطان در آن نطفه شریک می‌شود؛ وَ أَمَّا الْعُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنِينَ ... ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا (کهف/۸۰ و ۸۱): خداوند به جای غلام مقتول، دختری به آن پدر و مادر داد که از او هفتاد پیامبر به دنیا آمد؛ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَ كُنْتُ نَسِيًّا مُنْسِيًّا (مریم/۲۳): مریم (س) از آن جهت این جمله را گفت که در قومش، جوانمردی نمی‌دید که او را از تهمت وارده مبرا نماید؛ وَ لَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا (طه/۱۱۵): آدم (ع) با مشغول شدن به نعمتهای بهشت، مُنْعَم را فراموش کرد؛ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ (انبیاء/۸۸):

یونس (ع) هفت روز در شکم نهنگ باقی ماند؛ أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ (حج/۵۲): هر پیامبری که ایمان قومش را آرزو می‌نمود، شیطان وسوسه‌اش را در میان آن قوم می‌افکند؛ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا (مؤمنون/۱۱۵): خداوند به‌خاطر جاری کردن احسان خود، کائنات را خلق نمود؛ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ ... أَوْ صَدِيقِكُمْ (نور/۶۱): در بزرگی دوست و رفیق همین بس که خداوند او را به‌منزله پدر و فرزند و برادر قرار داده است؛ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا (نمل/۱۵): خداوند به سلیمان (ع) پادشاهی شرق و غرب دنیا را عطا فرمود؛ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا (عنکبوت/۶۹): نماز اگر قبول شود از اعمال ناپسند نهی می‌کند؛ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُؤْتِنُ اللَّهُ (فاطر/۳۲): خداوند با ظالم شروع نمود تا خبر دهد به اینکه کسی جز با بزرگواری و مهربانی او نمی‌تواند به بارگاه الهی نزدیک شود و ستم، تأثیری در این اصطفاء و انتخاب ندارد؛ آن‌گاه به مُقْتَصِدین و میانه‌روان پرداخت چراکه اینان بین ترس و امید به‌سر می‌برند؛ سپس به سابقین و پیشی‌گیرندگان ختم نمود زیرا هیچ‌کس از مکر و حيله خدا در امان نیست؛ و البته که همگی به حرمت "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ" در بهشت‌اند؛ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (ص/۴۴): خداوند با اظهار بلا بر ایوب (ع) به او زبان دعاگو و سپس صبر و پس از آن مقام رضا، عنایت فرمود و آن‌گاه که شیرینی قُرب الهی را چشید، او را اینگونه ستایش کرد؛ اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ (شوری/۱۹): لطف خدا در روزی‌دادن از دو جنبه است: اول اینکه از طیبات قرار داده و دوم اینکه یکبار بیشتر است؛ قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَكْدٌ فَاِنَّا أَوْلُ الْعَابِدِينَ (زخرف/۸۱):

شأن یا سبب نزول این آیات تفاوت دارند. هرچند مورد نزول، خود مصداقی از مفهوم آیه است لکن به انطباق مفهوم عام آیه بر این مورد نزول، اطلاق جری و تطبیق نمی‌شود (راد، ۱۳۹۳: ۲۶ و ۲۷).

نمونه‌های ذیل بخشی از روایات تفسیری امام صادق(ع) در منابع اهل سنت در حوزه بیان مصداق می‌باشد:

- وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ (قصص/۵)

مفضل بن عمر گوید از امام صادق(ع) شنیدم که فرمود: رسول‌الله(ص) به امام علی(ع) و امام حسن(ع) و امام حسین(ع) نگریست و گریست و فرمود: شما مستضعفان بعد از من هستید. مفضل گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: ای پسر رسول خدا! معنای آن (سخن رسول‌الله) چیست؟ فرمود: معنایش این است که همانا شما امامان بعد از من هستید؛ چرا که خداوند متعال می‌فرماید: "و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ ... [سپس امام صادق(ع) ادامه داد:] این آیه تا روز قیامت درباره ما جاری و ساری است (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۵۵۵/۱). مفسران اهل سنت، غالباً مصداق "المستضعفين" در آیه را بنی‌اسرائیل دانسته‌اند (طبری، ۱۴۲۰: ۱۹/۵۱۷).

- فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ (زمر/۶۸)

از امام صادق(ع) روایت است که درباره مصداق "إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ" در آیه شریفه فرمود: اهل استثناء، حضرت محمد(ص) و اهل بیت ایشان(ع) و اهل معرفت هستند (حقی بروسوی، بی‌تا: ۱۳۸/۸). در تفاسیر اهل تسنن، مصداقی مانند: جبرئیل(ع) و میکائیل(ع) و اسرافیل(ع) و عزرائیل(ع) و حاملان

اولین چیزی که بر قلم جاری شد ذکر لا اله الا الله محمد رسول‌الله بود و او بود که اولین عبادت‌کننده بود؛ فَإِنَّمَا يَسْرُنَاهُ لِبَلْسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (دخان/۵۸): اگر این آسان‌سازی نبود هیچکس توان تلفظ یک حرف از قرآن را نداشت؛ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ (قمر/۵۵): خداوند مکان را با راستگویی ستایش نمود، پس جز راستگویان در آنجا نمی‌نشینند؛ سَنُقَرِّبُكَ فَلَا تَنْسَى (اعلیٰ/۶): رسول‌الله(ص) می‌خواند ولی نمی‌نوشت؛ رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً (بینه/۲): رسول خدا(ص) می‌خواند با اینکه نمی‌نوشت، شاید این از معجزات حضرتش بود.

۲-۲. بیان معانی تأویلی (مصداق آتم و آکمل و معانی باطنی)

نوعی از تأویل، تبیین معنای باطنی کلام، معنای نهفته در ورای ظاهر، یا دست‌یابی به مراد از ورای ظاهر سخن است (راد، ۱۳۹۳: ۲۴). در این گونه از روایات تفسیری، از معانی و یا مصداقی برای آیات سخن به میان آمده که استفاده آن معانی از آیه، یا انطباق آیه بر آن مصداق، روشن نیست و یا از مصداقی است که در زمان بیان شدن، هنوز واقع نشده بود، به این جهت پوشیده است؛ هرچند نوعی ارتباط بین آنها و آیه برقرار می‌باشد که با توجه به بیان معصوم می‌توان آنها را مراد آیه دانست. البته ذکر این معانی و مصداق به معنای نفی معنا یا مصداق ظاهری نیست؛ به همین دلیل، گاه در روایات، هم معانی و مصداق باطنی و هم معانی و مصداق ظاهری مطرح شده است. (رجبی، ۱۳۸۳: ۲۲۶).

الف) بیان مصداق (جری و تطبیق)

در جری و تطبیق، مفاهیم عام و مطلق یا معانی باطنی قرآن بر مصداق جدیدی که در عهد نزول سابقه نداشته و بعدها پدید آمده یا خواهند آمد، سریان و انطباق داده می‌شود. باید دانست که این مصداق با

عرش و شهداء، ذکر شده است (طبری، ۱۴۲۰: ۳۳۰/۲۱).

از این گونه‌ی تفسیری، در کتب تفسیری و روایی اهل سنت، از امام صادق (ع) موارد دیگری نیز دیده می‌شود که عبارتند از:

وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالسَّحَابِ (آل عمران/۱۷): کسی که نماز شب بخواند و در پایان شب، هفتاد بار استغفار نماید؛ إِنَّ تَجْتَبُوا كِبَائِرَ مَا تُتْهَوْنَ عَنْهُ نَكَّرَ عَنْكُمْ سَبَائِكُمْ (نساء/۳۱): امام صادق (ع) مصادیق "کبائر" را خروج از دین و ترک آن، جابجایی سنت با بدعت، و کارزار با مسلمانان دانسته‌اند؛ وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (اعراف/۱۸۰): امام صادق (ع) ۹۹ اسم از اسامی خداوند را برشمرد؛ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ رَأْيُهُمْ لِي سَاجِدِينَ (یوسف/۴): امام صادق (ع) برای "القمر" ۱۷ مصداق معرفی نمود؛ وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ (حجر/۸۷): امام صادق (ع) برای "سبعاً من المثنائی" هفت کرامت را معرفی فرمود؛ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (فرقان/۷۴): منظور از "اماماً" ائمه از اهل بیت (ع) هستند؛ وَ بِالْأَسْحَابِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (ذاریات/۱۸): از امام صادق (ع) نقل شده کسی که بین نماز مغرب و عشاء نخواست تا عشاء را درک کند، از مصادیق "المستغفرون" می‌باشد.

ب) بیان لایه‌های معنایی (بطن آیه)

بر مبنای برخی روایات،^۱ تمامی آیات قرآنی افزون بر معنای ظاهری، دارای معنای باطنی است. این

معنای باطنی می‌تواند تا هفت بطن و لایه ادامه داشته باشد. این نکته که همه آیات قرآنی از جمله محکومات آن، دارای تأویل است توسط برخی مفسران مورد تأکید قرار گرفته است. مورد نزول آیه با تمام خصوصیات زمانی و مکانی و مناسبات نزول، ظاهر آیه نام دارد. اگر آیه را از همه این ویژگی‌های موردی و جنبه‌های ظاهری جدا سازیم و به اصطلاح، الغای خصوصیت کنیم، گوهر اصلی آن را که یک مفهوم شامل و فراگیر است کشف کرده‌ایم، که آن بطن آیه است (قاسم‌پور، بی‌تا: ۲۷). هر چند بیان بطن و تأویل آیه، ما را در فهم عمیق آیه کمک می‌کند و گاهی در تفسیر آیه نیز تأثیر می‌گذارد، ولی از نظر اصطلاحی، تأویل و بطن جزیی از تفسیر به شمار نمی‌آید، اما روش مرسوم مفسران آن است که بطن و تأویل آیه را نیز در کتاب‌های تفسیر می‌آورند. به هر حال، یکی از کاربردهای روایات تفسیری همین بیان تأویل و بطن آیه است (رضائی‌اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۳۷).

نمونه‌های ذیل بخشی از روایات تفسیری امام صادق (ع) در منابع اهل سنت در حوزه بیان باطن آیات قرآن می‌باشد:

– وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا (بقره/۱۲۵)

از امام صادق (ع) روایت شده که در تأویل "البیت" در آیه مورد نظر، فرمود: منظور از خانه در اینجا حضرت محمد (ع) است؛ هرکس به او ایمان آورد و پیامبری‌اش را تصدیق نماید در میدانهای امن و امانت وارد می‌شود (بقلی، ۲۰۰۸: ۶۲/۱). مفسران اهل سنت "البیت" را به بیت‌الله الحرام و کعبه تفسیر کرده‌اند (طبری، ۱۴۲۰: ۲۵/۲).

تَأْوِيلُهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ نَحْنُ نَعْلَمُهُ (صفا، ۱۴۰۴: ۱۹۶/۱).

^۱ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ ابْنِ أَدِينَةَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ هَذِهِ الرَّوَايَةِ مَا مِنَ الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَقَالَ ظَهْرُهَا تَنْزِيلُهُ وَ بَطْنُهَا تَأْوِيلُهُ مِنْهُ مَا قَدْ مَضَى وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَكُنْ يَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ كَمَا جَاءَ تَأْوِيلُ شَيْءٍ مِنْهُ يَكُونُ عَلَى الْأُمُوتِ كَمَا يَكُونُ عَلَى الْأَحْيَاءِ قَالَ اللَّهُ وَ مَا يَعْلَمُ

– وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَلْمُهَا وَ لَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (انعام/۵۹)

از امام صادق(ع) نقل است که درخصوص معنای باطنی برخی از واژه‌های آیه شریفه فرمود: منظور از "ورقه" فرزندان سقطشده از آدم(ع)، و مُراد از "حبه" متولدشدگان از فرزندان آدم(ع)، و مقصود از "ظلمات الارض" تاریکی رَحِم‌های مادران، "رطب" زنده‌ها، و "یابس" مرده‌ها می‌باشد (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۳۰۰/۲؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۱۴۰/۲؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۴۷۴/۲؛ ابوحیان اندلسی، بی تا: ۱۶۶/۵؛ میسلی، ۱۳۷۱: ۳۷۸/۳). مفسران اهل تسنن، عموماً معنای ظاهری کلمات را در تفسیر آیه ذکر کرده‌اند (طبری، ۱۴۲۰: ۴۰۳/۱۱).

موارد دیگر از این گونه‌ی تفسیری منقول از امام صادق(ع) در کتب تفسیری و روایی اهل سنت عبارتند از:

تبیین حروف مقطعه قرآن، مانند: طه (طه/۱): قسم الهی است به "طهارت" و "هدایت" اهل بیت(ع)؛ طسم (شعراء/۱): خداوند متعال به شجره "طوبی" و "سدره‌المتهی" و "محمد(ص)" قسم خورده است؛ حم (غافر/۱): یعنی محمد(ص)؛ حم عسق (شوری/۱): حاء از رحمان، میم از مجید، عین از علیم، سین از قدوس و قاف از قاهر است؛ ن (قلم/۱): نه‌ری از نه‌رهای بهشت است؛ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (بقره/۱۲۴): محبت من (خدا) و رؤیتم، نصیب کسی که با غیر من همنشین شود، نمی‌گردد؛ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ (آل عمران/۱۰۳): ما اهل بیت رسول خدا(ص) حبل الهی هستیم؛ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا (نساء/۵۴): در میان ایشان امامانی قرار داد که هرکس از آنان اطاعت کند از خدا اطاعت کرده و

هرکس از آنها نافرمانی کند، خدا را نافرمانی کرده است؛ أَوْ مَنْ كَانَ مِيثًا فَأَحْيَيْنَاهُ (انعام/۱۲۲): منظور، مردن از ما اهل بیت(ع) و زنده شدن به وسیله ما است؛ فَأَنْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا (اعراف/۱۶۰): از چشمه معرفت، دوازده جوی روان کرده است؛ وَ يَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ (توبه/۱۴): برای برخی از مؤمنان، شفای معرفت است و صفا، و برای بعضی دیگر، شفای تسلیم و رضا، و برای گروهی دیگر، شفای توبه و وفا، و برای بخشی دیگر، شفای مشاهده و دیدار الهی؛ وَ لَا تَرْكُونُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا (هود/۱۱۳): بر نفس خود تکیه نکنید که ظالم است؛ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ (رعد/۳۸): برای هر رؤیتی زمانی است؛ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ (ابراهیم/۲۶): از امام صادق(ع) روایت شده که در تأویل و بطن آیه فرمود: شجره خبیثه، شهوات است و زمین آن نفس‌ها، و آب آن آرزو، و برگهای آن تنبلی، و میوه آن گناهان، و نتیجه و پایان آن آتش جهنم است. خداوند مؤمنان را در زندگی دنیا بر ایمان، و در آخرت بر درستی پاسخ خداوند رحمان استوار و ثابت قدم نموده است؛ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا (اسراء/۲۰): عطایای دنیوی غفلت از خداست و عطایای اخروی قربت به خداست؛ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَ هُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ (انبیاء/۱۰۲): چگونه حسیس جهنم را بشنوند در حالی که آتش با رؤیت آنان متلاشی و خاموش می‌گردد؛ وَ طَهَّرُ بَيْتِي (حج/۲۶): نفس و روح را از مخالفت با مخالفین، و آمیزش با ناحق و باطل، پاکیزه نما؛ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ... (نور/۳۵): نورها مختلفند اول نور قلب است و سپس نور خوف و ...؛ وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ (شعراء/۸۰): هرگاه به وسیله گناهان بیمار می‌شوم، با توبه شفایم می‌دهد؛ فَلَمَّا

نزول آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده/۵۵) گردید، سبب نزول است و شأن نزول نیست؛ چراکه به دنبال آن انفاق و به اقتضای آن نازل شده است و نه درباره انفاق آن حضرت، بلکه درباره تعیین ولی مؤمنان و ولایت آن حضرت نازل شده است (بابی، ۱۳۸۸: ۱۵۲ تا ۱۵۴).

الف) سبب نزول

بسیاری موارد در قرآن هست که نزول آیات مبتنی بر اسباب خاص وقایع نیست، مانند تکرار قصه موسی (ع)، اما می‌توان سببی عام که در همه موارد مشترک است برای نزول آنها استنباط نمود، مانند «تسلیة النبی و تثبیت فؤاده» که گذشته از حکم عقل، در قرآن هم منصوص است، قوله تعالی: «وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ: هر آنچه از اخبار پیامبران که دل تو را استوار دارد بر تو می‌خوانیم (هود/۱۲). پس می‌توان گفت اسباب نزول بر دو قسم است: ۱- سبب عام: که به حکم عقل در نزول همه قرآن موجود است، و وجوه آن را در موارد و مصادیق می‌توان استخراج نمود، مانند مثال‌های بالا در قصه پیغمبران. ۲- سبب اصطلاحی: که درباره موارد خاص از وقایع است. گاهی هر دو وجه در موردی واحد صادق است، مانند قصه یوسف که هم سبب عام «ما نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ» بر آن صادق است و هم سبب اصطلاحی؛ چنانچه «واحدی» نقل می‌کند که صحابه گفتند: «یا رسول‌الله لو قصصت علينا» و خداوند نازل فرمود: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ» (یوسف/۲). و البته مراد از سبب نزول به‌طور مطلق، همان سبب نزول اصطلاحی است (کمالی‌دزفولی، ۱۳۷۷: ۱۸۹).

نمونه‌های ذیل از روایات تفسیری امام صادق (ع) در

آنها نُودِي مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (قصص/۳۰): آتشی به موسی (ع) نشان داد که او را به نورهای مختلفی راهنمایی نمود ...؛ قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ (سجده/۱۱): منظور از مرگ، توبه است؛ وَكُنْذِقْنَهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَذَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ (سجده/۲۱): عذاب کوچک گرانی قیمتها و عذاب بزرگ خروج امام مهدی (عج) است؛ اغْلُظُوا أَنْ اللَّهَ يُخَيِّبِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا (حدید/۱۷): زمین را بعد از ظلم، به وسیله عدل زنده می‌کند؛ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا (انسان/۱): آیا بر تو (انسان) زمانی نگذشته است که خداوند تو را یاد نکرده است؛ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (انفطار/۱۳): منظور از نعیم، معرفت و مشاهده است.

۲-۳. بیان فضای نزول (سبب نزول و شأن نزول)

مقصود از فضای نزول، اموری مانند سبب نزول، شأن نزول، فرهنگ زمان نزول، زمان و مکان نزول است. نسبت بین شأن نزول و سبب نزول، به لحاظ مفهوم، تباین و از نظر موارد و مصادیق، عموم و خصوص من وجه به‌شمار می‌رود. بعضی از امور، هم سبب نزول است و هم شأن نزول؛ مانند قضیه فداکاری امیرالمؤمنین (ع) در ليله‌المبیت که هم سبب نزول و هم شأن نزول آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره/۲۰۷) است. زیرا آیه، به دنبال قضیه فداکاری و به اقتضای آن نازل گردیده پس سبب نزول است و چون درباره فداکاری امام علی (ع) نازل شده، شأن نزول نیز هست ولی داستان ابرهه شأن نزول سوره فیل است اما سبب نزول نیست؛ زیرا به دنبال آن نازل نشده است. این در حالی است که مثلاً قصه انگشتری دادن علی بن ابی‌طالب (ع) به مسکین در حال رکوع که موجب

منابع اهل سنت در حوزه بیان سبب نزول آیات قرآن می‌باشد:

– فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ (آل عمران/۶۱)

از امام صادق(ع) روایت است که پدرش درباره این آیه فرمود: [رسول خدا(ص)] ابوبکر با فرزندش و عمر با فرزندش و عثمان با فرزندش و امام علی(ع) و فرزندش را آورد (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۸۲/۲؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۳۹۹/۱؛ رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۲۶۵/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۴۰/۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ۳۷۹/۲). در روایات شیعه و برخی از تفاسیر اهل سنت اما، مصادیق این آیه را به ترتیب: حَسَنین(ع)، فاطمه زهرا(س) و امام علی(ع) معرفی نموده‌اند (صدوق، ۱۳۷۸: ۸۴/۱؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۶۶۶/۲؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۲۲۰/۱؛ جصاص، ۱۴۰۵: ۲۹۵/۲).

– وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى (ضحی/۵)

از امام صادق(ع) روایت شده که روزی رسول خدا(ص) بر فاطمه(س) وارد شد؛ حضرت زهرا(س) پیراهنی از پوست شتر بر تن داشت و در حال آردکردن گندم با آسیاب بود درحالی‌که طفل خود را نیز شیر می‌داد. وقتی رسول‌الله(ص) او را در این حالت دید، چشمانش آشک‌بار شد و فرمود: دخترم! با تلخی دنیا به سوی شیرینی آخرت شتاب کن. پس خداوند متعال آیه فوق را بر رسولش نازل فرمود (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۲۵/۱۰؛ میبلی، ۱۳۷۱: ۵۲۴/۱۰). مفسران اهل سنت از ابن عباس روایت کرده‌اند که وقتی سرزمین‌هایی که پس از رسول خدا(ص) برای امتش فتح خواهد شد به آن حضرت ارائه شد و ایشان خرسند گردید، آیه "وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى" نازل شد (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴۸۳؛

سیوطی، لباب النقول: ۲۱۳).

(ب) شأن نزول

نمونه‌های ذیل از روایات تفسیری امام صادق(ع) در منابع اهل سنت در حوزه بیان شأن نزول آیات قرآن می‌باشد:

– الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا (مائده/۳)

نقل است که امام صادق(ع) فرمود: "اليوم" اشاره است به روزی که حضرت محمد به پیامبری برگزیده شد و این روز، روز رسالت آن حضرت بوده است (بقلی، ۲۰۰۸: ۲۹۸/۱؛ میبلی، ۱۳۷۱: ۲۶/۳). در روایات شیعه اما، سبب نزول این آیه را جریان غدیرخیم سال حجّه‌البلاغ دانسته‌اند (صدوق، ۱۳۷۸: ۲۱۶/۱). صاحب جامع‌البیان پس از نقل اقوال مختلف، بهترین قول را بیان عمر بن خطاب می‌داند که وقت نزول آیه را در روز عرفه و روز جمعه دانسته است (طبری، ۱۴۲۰: ۵۳۱/۹).

– لَمَسْجِدٍ أُسَسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ (توبه/۱۰۸)

از امام صادق(ع) منقول است که پدرش فرمود: این آیه درباره اهل قُباء نازل شد (ابن‌ابی‌شیه، ۱۴۰۹: ۱۴۲/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۷۸/۳). مفسران اهل سنت، مسجد مذکور در آیه شریفه را بر سه وجه تفسیر کرده‌اند: ۱- مسجد رسول خدا(ص) که منبر و قبر آن حضرت در آن است؛ ۲- مسجد قُباء؛ ۳- هر مسجدی که در شهر مدینه بنا شود (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۱۸۸/۶).

– يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي (فجر/۳۰)

روایت شده که امام صادق (ع) فرمود: آیه "مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ" برای قرائت‌کننده‌اش جلب بی‌نیازی و غنا می‌نماید (أطفیش، بی تا: ۴۸۸/۷).

نمونه‌های دیگر از این گونه‌ی تفسیری که در کتب تفسیری و روایی اهل سنت از امام صادق (ع) روایت شده عبارتند از:

قَالَ مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدُ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (اعراف/۱۲): از امام صادق (ع) از پدرش از جدش روایت شده که

رسول خدا فرمود: اولین کسی که در کار دین قیاس نمود، ابلیس بود؛ همچنانکه در قرآن کریم فرمود: خدا به ابلیس دستور داد که سجده کن و

او گفت: من از او بهترم چون مرا از آتش آفریدی و او را از خاک؛ ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا (مریم/۷۲): اگر نزدیکی نفوس به یکدیگر

نبود، کسی داخل در آتش نمی‌شد؛ پس آن‌گاه که نفوس دچار دوری از هم شوند همگی وارد در آتش می‌گردند. هرکس بیشتر از ناپاکی نفس روی‌گردان

شود سریع‌تر از آتش نجات خواهد یافت؛ آیا نمی‌بینی خداوند متعال فرمود: ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً (توبه/۱۲۳): با قوم دیلم^۲ بجنگید

و ایشان را بکشید؛ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنَّي بِرِيءٍ مِمَّا

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: این آیات درباره امام علی نازل شده است (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۲۹/۲). مفسران اهل سنت، مصداق "نفس مطمئنه" را بر وجوه ذیل تعبیر و تفسیر نموده‌اند:

ابوبکر، عثمان، حمزه، ابن عباس، کسی که به پروردگارش یقین دارد، بنده مؤمن مطمئن به خدا (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳۴۳۱/۱۰). گفتنی است در

تفاسیر شیعه، این آیه را در شأن امام حسین (ع) دانسته‌اند (قمی، ۱۴۰۴: ۴۲۲/۲).

۲-۴. استناد به آیات قرآن

نمونه‌های ذیل بخشی از روایات تفسیری امام صادق (ع) در منابع اهل سنت در حوزه استناد به آیات قرآنی می‌باشد:

– وَ إِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَ كَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا (نساء/۱۳۰)

روایت شده که فردی نزد امام صادق (ع) از فقر شکایت کرد. حضرت او را امر به ازدواج نمود. آن مرد رفت و ازدواج کرد و پس از مدتی [دوباره] آمد

و از ناداری شکایت کرد. [این بار] امام او را دستور به طلاق داد. از آن جناب درباره این مسأله سؤال شد. امام صادق (ع) فرمود: به او دستور ازدواج دادم، شاید

مشمول آیه «وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامِي مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۱ باشد. وقتی [معلوم شد] که این آیه

شامل حالش نمی‌شود بنا بر آیه «وَ إِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَ كَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا» وی را به طلاق امر نمودم شاید این آیه مربوط به او باشد (قرطبی، ۱۳۸۴: ۴۰۸/۵؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳۴۴/۱).

– وَ لَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (کهف/۳۹)

^۲ [د ل] واژه دیلم به معنی مرگ و نیز به معنی دشمنان و نیز به معنی مورچگان متوسط آمده است. و دیلم به گفته برخی از مؤلفان قومی هستند که به سرزمین خود منسوبند و این نام پدر ایشان نیست. منجمان گویند: دیلم در اقلیم چهارم در درازای ۷۵ درجه و در پهنای ۳۶ درجه و ده دقیقه قرار دارد (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۵۴۴/۲).

^۱ نور/۳۲.

تَعْمَلُونَ (شعراء/۲۱۸): از کسی که ابوبکر و عمر را به جُز نیکی یاد می‌کند دوری بجوید؛ وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ (غافر/۲۸): مؤمن آل فرعون کتمان ایمان کرد ولی ابوبکر آن را ظاهر نمود.

۲-۵. بیان قرائات قرآنی

گفتنی است صحت انتساب این قبیل روایات به ائمه (ع) محل تأمل است؛ زیرا این قرائات با قرائت متداول متفاوت است و این احتمال را قوت می‌بخشد که این قرائات، به ائمه شیعه نسبت داده شده‌اند و احتمالاً جعل شده باشند (حسینی، ایروانی و احیاء جهرمی، ۱۳۹۶: ۱۲). برای تشخیص قرائت صحیح، معیار آن است که قرائت مذکور، مطابق نصّ متواتر میان مسلمانان و مورد اتفاق امت از صدر اسلام تاکنون باشد. چنانکه امامان معصوم (ع) فرمودند: "اِقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ" یا فرمودند: "اِقْرَأُوا كَمَا عَلَّمْتُمْ". مصداق چنین قرائتی همان است که موافق با ثبت نصّ کنونی قرآن کریم است (سعیدی‌روشن، ۱۳۷۹: ۱۸۹).

به هر حال، نمونه‌های ذیل، بخشی از روایات تفسیری امام صادق (ع) در منابع اهل سنت در حوزه بیان قرائات قرآنی می‌باشد که ما در اینجا، نه به جهت تأیید، بلکه برای یادآوری ذکر می‌کنیم:

– فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (آل عمران/۱۵۹)

از امام صادق (ع) نقل است که ایشان "فَإِذَا عَزَمْتَ" – یعنی به ضمّ تاء – خواند. بر این اساس، معنای آیه این چنین می‌شود: "پس هرگاه من (خدا) امری را اراده نمودم و تو را به آن ارشاد نمودم، بر خدا توکل کن" (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۹۲/۳؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۴۵۱/۱؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۲۵۲/۴). فخررازی این قرائت را به دو دلیل ضعیف دانسته است؛ اول اینکه نسبت عزم و

تصمیم به خدای متعال جایز نیست و دوم اینکه سند این قرائت، به هیچکدام از صحابه نمی‌رسد و فقط از تابعین، منقول است (فخررازی، ۱۴۲۰: ۴۱۰/۹).

– أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ (یوسف/۱۲)

از امام صادق (ع) روایت شده که عبارت "يَرْتَعُ" را "تَرْتَعُ" (به صیغه متکلم) قرائت فرمود (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲۲۴/۳؛ ابوحیان اندلسی، بی تا: ۴۸۹/۶؛ سمین حلبی، بی تا: ۱۶۰/۴؛ ابن عادل، بی تا: ۲۱۹/۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۸۶/۶). فخررازی در توجیه این قرائت از آیه گوید: برادران یوسف، به دلیل این که مردان بالغ و کاملی بودند، چوپانی گوسفندان را به خودشان نسبت دادند؛ ولی بازی کردن را به یوسف منسوب نمودند چرا که او کودک بود و اقتضای سنّ او تفریح بود (فخررازی، ۱۴۲۰: ۴۲۶/۱۸).

موارد دیگر از این گونه‌ی تفسیری منقول از امام صادق (ع) که در کتب تفسیری و روایی اهل سنت یافتیم عبارتند از:

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (فاتحه/۶): "صِرَاطَ الْمُسْتَقِيمِ"؛

إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (نساء/۱۷۲): "الْمَسِيحُ"؛

مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ (مائده/۸۹):

"أَهَالِيكُمْ"؛ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا

النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ (اعراف/۱۵۷): "عَزَرُوهُ"؛

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ (انفال/۱): "يَسْأَلُونَكَ الْأَنْفَالِ"؛

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ (توبه/۳۷): "النَّسِيءُ"؛ وَ

عَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا (توبه/۱۱۸): "خَالَفُوا"؛ وَ اتَّبَعَ

الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أَتَرَفُوا فِيهِ (هود/۱۱۶): "وَ اتَّبَعُوا"؛ قَدْ

شَغَفَهَا حُبًّا (یوسف/۳۰): "شغفها"؛ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَ

فِيهِ يَعْصِرُونَ (یوسف/۴۹): "يَعْصِرُونَ"؛ فَآتَى اللَّهُ

معانی و مقاصد و حقایق قرآنی در روایات ایشان را اثبات می‌کند؛ گستردگی این روایات، تنوع گونه‌های تفسیری و عمق معانی آنها تأییدکننده برتری علمی و مرجعیت آن حضرت در تفسیر قرآن است. گرچه تابعان هم عصر ایشان تا سطحی از تفسیر (شرح واژگان، بیان معانی ظاهری، بیان وقایع تاریخی نزول) پیش آمده‌اند، در سطوح بالاتر تفسیر (تبیین متشابهات، بیان مراتب عمیق محکّمات، و بیان معانی باطنی و اخبار غیبی از آینده) اما اثری در منقولات آنان دیده نمی‌شود.

بیشتر احادیث منقول از امام صادق (ع) در کتب تفسیری اهل سنت - به‌خصوص تفاسیر متأخر آنان - با عبارت «جعفرالصادق» و غالباً به صورت مستقیم از آن حضرت روایت شده است. توجه به اسناد کتابهای ذیل، این مسأله را به خوبی نشان می‌دهد: «الکشف و البیان ثعلبی»، «النکت و العیون ماوردی»، «الکشاف زمخشری»، «مفاتیح الغیب فخر رازی»، «تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)»، «الجامع لاحکام القرآن قرطبی»، «غرائب القرآن و رغائب الفرقان نیشابوری»، «تفسیر خازن»، «البحر المحيط أبوحنیان أندلسی»، «الدر المصون سمین حلبی»، «اللباب ابن عادل»، «نظم الدرر بقاعی»، «روح البیان حقی بروسوی»، «البحر المدید ابن عجبیه»، «روح المعانی آلوسی»، «همیان الزاد أطفیش»، «المنار رشیدرضا»، «زهره التفاسیر أبوزهره»، «بیان المعانی ملاحویش آل غازی».

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- آلوسی، شهاب‌الدین محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. عربستان/ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.

بُنِيَانُهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ (نحل/۲۶): "بُنِيَانُهُمْ" ؛ وَ كَلِمُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ (كهف/۱۸): "كَلِمُهُمْ" ؛ لَهْدَمْتُ صَوَامِعُ وَ بِيْعٌ وَ صَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدُ (حج/۴۰): "صَلَوَاتٌ" ؛ وَ الْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةَ اَبْحُرٍ (لقمان/۲۷): "مِدَادُهُ" ؛ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكُهَا (احزاب/۳۷): "زَوَّجْنَاكُهَا" ؛ وَ تَعَزَّزُوهُ وَ تَوَقَّرُوهُ وَ تَسَبَّحُوهُ (فتح/۹): "تعززه".

۲. نتایج مقاله

۱- احادیث بررسی شده در این پژوهش، از بیش از ۳۰ منبع روایی و تفسیری اهل سنت استخراج گردیده که اسامی و آمار آنها در فهرست منابع مقاله نمایان است. این احادیث در ۷۹ سوره از ۱۱۴ سوره قرآن کریم و جمعاً ذیل ۳۴۱ آیه قرآن، از امام صادق (ع) دیده می‌شود که در این مقاله از باب نمونه، نزدیک به ۴۰ مورد آن را در پنج حوزه: ۱- بیان معانی تنزیلی شامل: ایضاح لفظی (واژه‌شناسی) و ایضاح مفهومی (نکات تفسیری: تبیین مجمل، تخصیص عام، تقیید اطلاق، توضیح مفاهیم شرعی، تفصیل احکام قرآن، بیان ناسخ و منسوخ و ...)؛ ۲- بیان معانی تأویلی شامل: بیان مصادیق (جری و تطبیق) و بیان لایه‌های معنایی (بطن آیه)؛ ۳- بیان فضای نزول شامل: سبب نزول و شأن نزول؛ ۴- استناد به آیات قرآن؛ و ۵- بیان قرائات قرآنی، مورد بررسی قرار دادیم. کمترین تعداد روایات مستخرج، مربوط به گونه تفسیری "بیان سبب و شأن نزول آیات" و بیشترین آمار این احادیث، به گونه تفسیری "بیان معانی ظاهری آیات" تعلق دارد.

۲- تعدّد گونه‌های تفسیری امام صادق (ع)، ضمن اشاره به تنوع بیان امام در شرح و تفسیر آیات قرآن، برتری امام در دقت و توجه به لایه‌های کلام و بیان

- ابن ابی شیبیه، أبوبکر (۱۴۰۹ق). الكتاب المصنف فی الأحادیث و الآثار. عربستان/ریاض: مکتبه الرشد.
- ابن ابی الحدید، أبوحامد، (۱۳۷۸ق/۱۹۵۹م). شرح نهج البلاغه. بی جا: دار إحياء الكتب العربيه.
- ابن حبان، أبوحاتم (۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م). مشاهیر علماء الأمصار و أعلام فقهاء الأقطار. مصر/منصوره: دارالوفاء للطباعة و النشر و التوزيع.
- ابن حجر عسقلانی، أبو الفضل (۱۳۲۶ق). تهذیب التهذیب. الهند: مطبعة دائره المعارف النظاميه.
- ابن خلکان، أبو العباس (۱۹۹۴م). وفيات الأعيان و أنباء أبناء الزمان. لبنان/بيروت: دار صادر.
- ابن سعد، أبو عبدالله (بی تا). الطبقات الكبرى. لبنان/بيروت: دار صادر.
- ابن عادل، أبوحفص (بی تا). اللباب فی علوم الكتاب. بی جا: بی نا.
- ابن عدی جرجانی، أبو أحمد (۱۴۰۹ق/۱۹۸۸م). الكامل. لبنان/بيروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
- ابن عطیه، ابومحمد (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز. لبنان/بيروت: دارالکتب العلميه.
- ابن قتیبه، عبدالله (۱۴۲۳ق). تأویل مشکل القرآن. لبنان/بيروت: دار الکتب العلميه/منشورات محمد علی بیضون.
- ابن منجویّه، أبوبکر (۱۴۰۷ق). رجال صحیح مسلم. بیروت: دارالمعرفه.
- ابن ابی زمنین، محمد (۱۴۲۴ق). تفسیر ابن ابی زمنین. لبنان/بيروت: دار الکتب العلميه/منشورات محمد علی بیضون.
- أبو حیان أندلسی، أثیرالدین (بی تا). البحر المحيط. بی جا: بی نا.
- أطفیش، محمد بن یوسف. (بی تا). التفسیر. بی جا: بی نا.
- بابایی، علی اکبر و دیگران (۱۳۸۸ش). روش شناسی تفسیر قرآن. قم: زیتون.
- بخاری، أبو عبدالله (بی تا). التاريخ الكبير. دیاربکر/ترکیا: المکتبه الإسلاميه.
- بغوی، ابن فراء (۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م). مصابیح السنه. لبنان/بيروت: دارالمعرفه للطباعة و النشر و التوزيع.
- بقلی، روزبهان (۲۰۰۸م). عرائس البیان فی حقائق القرآن. لبنان/بيروت: دارالکتب العلميه، منشورات محمد علی بیضون.
- ترمذی، أبو عیسی (۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م). السنن. لبنان/بيروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع.
- ثعالبی، أبوزید (۱۴۱۸ق). الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ثعلبی، أبو إسحاق (۱۴۲۲ق/۲۰۰۲م). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن. لبنان/بيروت: دار إحياء التراث العربی.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق). احکام القرآن. لبنان/بيروت: دار إحياء التراث العربی.
- حاکم حسکانی، عبدالله (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- حسینی، بی بی زینب و ایروانی نجفی، مرتضی و احیاء جهرمی، عاطفه (پاییز و زمستان ۱۳۹۶ش). «نگرش تاریخی به روایات قرائات اهل بیت (ع)». دوفصلنامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی. شماره هجدهم. صص ۷ - ۳۸.
- حقی بروسوی، أبو الفداء (بی تا). روح البیان. بیروت: دارالفکر.
- خازن، علاء الدین (۱۴۱۵ق). لباب التأویل فی معانی التنزیل. لبنان/بيروت: دارالکتب العلميه.

- دینوری، عبدالله بن محمد (۱۴۲۴ق). تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم. لبنان/بیروت: دارالکتب العلمیه/منشورات محمد علی بیضون.
- ذهبی، شمس‌الدین (۱۴۱۹ق/۱۹۹۸م). تذکره الحفاظ. لبنان/بیروت: دارالکتب العلمیه.
- همو (۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م). سیر اعلام النبلاء. بی‌جا: مؤسسه الرساله.
- راد، علی (بهار و تابستان ۱۳۹۳ش). «گونه‌شناسی احادیث تفسیری از نظریه تا تطبیق». نیم‌سال‌نامه علمی تخصصی تفسیر اهل بیت (ع). شماره اول. صص ۶ - ۳۴.
- رجیبی، محمود (۱۳۸۳ش). روش تفسیر قرآن. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- رشیدرضا، محمد (۱۹۹۰م). تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار). مصر: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
- رضائی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۲ش). درسنامه روشها و گرایش‌های تفسیری قرآن. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- زرکلی، خیرالدین (۲۰۰۲م). الأعلام. بی‌جا: دارالعلم للملایین.
- سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۷۹ش). علوم قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق). تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم. لبنان/بیروت: دارالفکر.
- سمین حلبی، أبو‌العباس (بی‌تا). الدرالمصون فی علوم الکتاب المکنون. سوریه/دمشق: دارالقلم.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۱۰ق). إسعاف المبطأ برجال الموطأ. بیروت: دارالهجره للطباعه و النشر و التوزیع.
- همو (۱۴۰۴ق). الدرالمثور. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- همو (بی‌تا). لباب النقول فی أسباب النزول. لبنان/بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شافعی، محمد ابن ادريس (بی‌تا). احکام القرآن. لبنان/بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شفیع، سعید (بهار ۱۳۹۸ش). «بازخوانی روابط معنایی واژه‌العالمین بر اساس روش تحلیل مؤلفه‌ای». فصلنامه علمی تحقیقات علوم قرآن و حدیث. شماره ۱. پیاپی ۴۱. صص ۵۱ - ۸۱.
- شکرانی، رضا و سیدناری، طاهره‌سادات (بهار و تابستان ۱۳۹۷ش). «پژوهشی نو در گونه‌شناسی مدالیل روایات تفسیری و فوائد آن». دوفصلنامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی. شماره نوزدهم. صص ۴۵ - ۷۶.
- شوکانی، محمد (۱۴۱۴ق). فتح القدر. سوریه/دمشق و لبنان/بیروت: دار ابن کثیر و دارالکلم الطیب.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۷۸ق). عیون أخبارالرضا علیه السلام. ایران/تهران: نشر جهان.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص). ایران/قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- صفدی، صلاح‌الدین (۱۴۲۰ق/۲۰۰۰م). الوافی بالوفیات. لبنان/بیروت: دار إحياء التراث.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). التفسیر الکبیر (تفسیر القرآن العظیم). اردن/اربند: دارالکتاب الثقافی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۲۰ق/۲۰۰۰م). جامع البیان فی تأویل القرآن. بی‌جا: مؤسسه الرساله.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). لبنان/بیروت: دارإحياء التراث العربی.

- قاسم پور، محسن (بی تا). پژوهشی در جریان‌شناسی تفسیر عرفانی. بی جا.
- قرطبی، أبو عبدالله (۱۳۸۴ق/۱۹۶۴م). الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی). القاهرة: دارالکتب المصریه.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی. ایران/قم: دارالکتاب.
- کمالی دزفولی، سیدعلی (۱۳۷۰ش). شناخت قرآن. قم: أسوه.
- ماوردی، أبو الحسن (بی تا). النکت و العیون (تفسیر الماوردی). لبنان/بیروت: دارالکتب العلمیه.
- متقی هندی. علاءالدین (۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م). کنز العمال. لبنان/بیروت: مؤسسه الرساله.
- مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. لبنان/بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۰ق/۱۹۹۹م). امتاع الأسماع. بیروت: دارالکتب العلمیه (منشورات محمد علی بیضون).
- مهریزی، مهدی (بهار ۱۳۸۹ش). «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت». فصلنامه علوم حدیث. دانشگاه قرآن و حدیث. شماره اول. صص ۴ - ۳۴.
- میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش). کشف الاسرار و عدله الأبرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری). ایران/تهران: امیرکبیر.
- نحاس، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق). اعراب القرآن. لبنان/بیروت: منشورات محمدعلی بیضون/دار الکتب العلمیه.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۴۱۱ق). اسباب نزول القرآن. لبنان/بیروت: دار الکتب العلمیه.
- یاقوت حموی، ابن عبدالله (۱۹۹۵م). معجم البلدان. لبنان/بیروت: دارصادر.
- یحیی بن سلام (۱۴۲۵ق). تفسیر یحیی بن سلام. لبنان/بیروت: دارالکتب العلمیه/منشورات محمد علی بیضون.